

تأثیر تربیتی قانون اصلاح و تربیت در بازپروری کودکان و نوجوانان معارض با قانون

یاسر نوروز پور^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۹/۲۶
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۱۰

فصلنامه علمی - تخصصی دانش انتظامی کیهلویه و بویر احمد
سال دهم، شماره چهارم (پیاپی ۲۹)، زمستان ۱۳۹۶
از صفحه ۱۱۳ تا ۱۵۴

چکیده

قانون اصلاح و تربیت امروزه به عنوان یکی از احکام قضایی است که مورد استقبال قضات در ارتباط با جرائم اطفال و نوجوانان معارض با قانون است و محیط مناسبی برای نوجوانان نسبت به زندان فراهم کرده است هدف کلی از این پژوهش «تأثیر تربیتی (برنامه) های قانون اصلاح و تربیت در بازپروری کودکان و نوجوانان معارض با قانون هست. که اهداف اختصاصی زیر را در بردارد. جامعه آماری پژوهش، ۱۰۰ نفر از کسانی بود سابقه حضور در قانون اصلاح و تربیت را داشته‌اند. جهت سنجش ابعاد مختلف تأثیر تربیتی قانون از در این مطالعه جهت جمع‌آوری و داده‌ها از دو پرسشنامه مادسیچ ترکیبی برای سنجش بزهکاری و اثر تربیتی محیط قانون اصلاح و تربیت استفاده شد. پرسشنامه‌ی بزهکاری مادسیچ دارای چند فرم است که در این پژوهش عامل (برنامه مذهبی، برنامه تفریحی ورزشی، برنامه مشاوره‌ای، برنامه بهداشتی-درمانی) را می‌سنجد استفاده شد. الفای کرونباخ این پژوهش ۰/۸۹ درصد برآورد شده است اجرای برنامه مذهبی و اجرای برنامه‌های مشاوره‌ای و مددکاری برنامه‌های تفریحی ورزشی متغیرهایی بودند که بیشترین سهم را در میزان تغییرات متغیر وابسته بازپروری کودکان و نوجوانان معارض با قانون داشتند. ولی اجرای برنامه بهداشتی درمانی تأثیری بر بازپروری کودکان و نوجوانان معارض با قانون نداشت.

کلیدواژه‌ها

کودک و نوجوان، معارض با قانون، قانون اصلاح و تربیت، تکرار جرم، بازپروری



مقدمه

کودکان و نوجوانان به عنوان پر ارزش ترین سرمایه های یک ملت هستند که در صورتی که مورد غفلت والدین و مدیران اجتماعی قرار بگیرند، امکان ارتکاب اعمال ضد اجتماعی (بزه) در آنان وجود دارد. از آنجا که کودکان و نوجوانان در مرحله آغازین رشد و زندگی اجتماعی هستند و در اغلب جرایمی که توسط آنها ارتکاب می یابد بزه دیده جرم هستند، به همین دلیل هم مقررات داخلی و هم اسناد بین المللی از فرستادن کودکان و نوجوانان معارض با قانون به مراکز نگهداری در محیط بسته و تماس با سیستم قضایی مخالف می باشد و فقط به عنوان آخرین راه چاره و آن هم برای حداقل زمان ممکن لازم می داند. به هر حال برخی از کودکان و نوجوانان که حالت خطرناک دارند و با انجام اقدامات غیر حبسی، مراجع ذی صلاح نتوانسته اند آنها را اصلاح نمایند، ناچار به نگهداری در محیط بسته برای نگهداری و با هدف اصلاح و باز اجتماعی کردن او، فرستاده می شوند. به همین منظور قانون اصلاح و تربیت کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۴۷ برای اولین بار در تهران تاسیس و با هدف نگهداری، اصلاح و تربیت، تهذیب اطفال غیر بالغ و بزهکارانی که کمتر از ۱۸ سال سن دارند، شروع به فعالیت کرد. قانون اصلاح و تربیت با بهره گیری از برنامه ها و بخش های مختلف و متنوع در زمینه های مختلف، برنامه های مذهبی، ورزشی، مشاوره و مددکاری و.. سعی در اصلاح و تربیت کودکان و نوجوانان داردمختلف، برنامه های مذهبی، ورزشی، مشاوره و مددکاری و.. سعی در اصلاح و تربیت کودکان و نوجوانان دارد.

تکرار جرم یکی از مهم ترین مباحث جرم شناسی و حقوق کیفری است که هم با مسایل جزایی و هم با مباحث اجتماعی ارتباط دارد. در فرآیند تکرار جرم بزهکاران، دستگیر، توقیف، محاکمه و محکوم می شوند و بعد از طی مراحل، با تصور اینکه تربیت و اصلاح شده اند دوباره به محیط اجتماعی باز می گردند، ولی باز مرتکب جرم شده و دوباره به چرخه کیفری باز می گردند. این امر هم برای دولت و هم برای فرد هزینه های مادی و روانی زیادی به بار می آورد. تکرار جرم نه تنها ناتوانی فرد در انطباق با هنجارها و ارزش های اجتماعی را نشان می دهد، بلکه نشان دهنده ناتوانی نظام های تربیتی در بازپروری و اصلاح و تربیت فرد معارض با قانون است. بویژه در جرایم ارتكابی توسط

کودکان و نوجوانان که نیاز به اصلاح و تربیت سریع آنها و به عبارتی پیشگیری از تکرار جرم توسط آنها، امر مهمی تلقی می شود.

بیان مساله

ارجاع به قانون اصلاح و تربیت امروزه به عنوان یکی از احکام قضایی است که مورد استقبال قضات در ارتباط با جرایم اطفال و نوجوانان معارض با قانون است. در حالیکه براساس نظریه‌های معتبر جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی مانند نظریه هم نشینی افتراقی ساترلند، نظریه برچسب زنی و مانند آن می توان توجیه کرد که این ارجاع نه تنها باعث بازپروری و اصلاح و تربیت کودکان و نوجوانان نیست، بلکه می توان با دلایل موجه استناد کرد که باعث بزه‌آموزی و انتقال تجارب می شود. از این جهت ضروری است توسل به قانون اصلاح و تربیت، بر اساس مقررات پکن، رهنمودهای ریاض و سایر قوانین بین المللی، به عنوان آخرین چاره و برای حداقل مدت ممکن مورد استفاده قرارگیرد. (ماده ۱۹ مقررات پکن ۱۹۸۵)

بر اساس نظریه معاشرت ترجیحی ادوین ساترلند کودکان و نوجوانان در سن درونی کردن ارزش‌ها و تشکیل شخصیت براساس گروه هم‌سالان هستند که ارجاع به قانون اصلاح و تربیت و نگهداری این افراد معارض با قانون حتی به مدت کوتاه می‌تواند باعث تشکیل شخصیت معارض‌تر شود. بویژه اینکه آمار ارائه شده توسط بخش مراقبت‌های بعد از خروج قانون اصلاح و تربیت تهران در سال ۱۳۹۱، نشان می دهد که ۱۸-۲۵ درصد این کودکان و نوجوانان دوباره به قانون ارجاع داده می‌شوند (تکرار جرم)

زدن برچسب بزهکار بر این کودکان و نوجوانان معارض با قانون مانع دیگری در مسیر بازپروری آنهاست که مانع از بازپذیری اجتماعی آنها و ادغام آنها در اجتماع می‌شود. زیرا ارجاع به قانون به عنوان سابقه بزهکاری برای آنها تلقی شده و مانع از اشتغال بعد از خروج می‌شود. (دیدگاه‌های برچسب زنی، جرم و جرم‌شناسی، ترجمه علی سلیمی، رک به منابع)

می‌توان گفت که توسل به مجازات‌های جایگزین همانند ارجاع به موسسه‌های علمی و فرهنگی، اجبار به انجام کارهای عام المنفعه، حبس خانگی و نظایر آن علاوه بر تاثیرات مثبتی که در تربیت این کودکان و نوجوانان دارد می‌تواند باعث بازپروری بهتر آنها



شود. کانون اصلاح و تربیت باید بتواند کودک و نوجوان را از اعمال ضد اجتماعی و خلاف قانون دور سازد ولی اگر این مرکز موفق به اجرای برنامه‌های اصلاحی و تربیتی خود نشود، چه می‌شود؟ آیا اسکان کودکان و نوجوانان معارض با قانون در یک خوابگاه نمی‌تواند زمینه را برای بزه‌آموزی آنها در آینده و تشکیل گروه‌های مجرمانه در بیرون از کانون فراهم کند؟ اگر ضریب خطایی در برنامه‌ها و عملکرد اجرایی کانون راه یابد می‌تواند آثار مخرب زیادی برای کودکان و نوجوانانی داشته باشد که در سنین هویت‌یابی قرار دارند. از همین طریق می‌توان به مبحث تکرار جرم در میان کودکان و نوجوانان کانون اصلاح و تربیت وارد شد.

تکرار جرم در میان کودکان و نوجوانان کانون اصلاح و تربیت، نیاز به ریشه‌یابی عواملی دارد که مانعی بر تربیت و تهذیب آنها شده است. دسته‌ای از این عوامل عوامل فردی هستند که پس از بازگشت دوباره کودک و نوجوان به جامعه او را دوباره به ارتکاب جرم سوق می‌دهند. اما دسته‌ای از عوامل که زمینه عوامل فردی هستند عواملی‌اند که از درون کانون نشأت گرفته‌اند و مانعی در مسیر تحقق برنامه‌های بازپروری کودکان و نوجوانان بوده‌اند.

پرسش‌های تحقیق

سوال اصلی: آیا کانون اصلاح و تربیت در بازپروری کودکان و نوجوانان معارض با قانون اثر تربیتی دارد؟

سوال‌های فرعی:

۱- آیا بین اجرا برنامه‌های مذهبی و بازپروری کودکان و نوجوانان معارض با قانون رابطه وجود دارد؟

۲- آیا بین اجرای برنامه‌های تفریحی و ورزشی کانون اصلاح و تربیت با بازپروری کودکان و نوجوانان معارض با قانون رابطه وجود دارد.

۳- آیا اجرای برنامه‌های مشاوره‌ای و مددکاری با بازپروری کودکان و نوجوانان معارض با قانون رابطه وجود دارد؟

۴-فرضیه چهارم : آیا بین اجرای برنامه بهداشتی -درمانی و بازپروری کودکان و نوجوانان معارض رابطه وجود دارد؟

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی:بین تاثیرات تربیتی قانون اصلاح و تربیت در بازپروری کودکان و نوجوانان معارض با قانون رابطه معنی داری وجود دارد

۱-فرضیه اول: بین اجرا برنامه های مذهبی و بازپروری کودکان و نوجوانان معارض با قانون رابطه معنی دار وجود دارد.

۲-فرضیه دوم: اجرای برنامه های تفریحی و ورزشی قانون اصلاح و تربیت با بازپروری کودکان و نوجوانان معارض با قانون رابطه معنی داری وجود دارد.

۳-بین اجرای برنامه های مشاوره ای ومدد کاری با بازپروری کودکان و نوجوانان معارض با قانون رابطه معنی داری وجود دارد

۴-فرضیه چهارم : بین اجرای برنامه بهداشتی -درمانی و بازپروری کودکان و نوجوانان معارض رابطه معنی داری وجود دارد.

اهداف تحقیق

هدف اصلی: بنظر می رسد بین تاثیرات تربیتی قانون اصلاح و تربیت در بازپروری کودکان و نوجوانان معارض با قانون رابطه معنی داری وجود دارد.

اهداف فرعی

۱- بنظر می رسد بین اجرا برنامه های مذهبی و بازپروری کودکان و نوجوانان معارض با قانون رابطه معنی دار وجود دارد.

۲- بنظر می رسد بین اجرای برنامه های تفریحی و ورزشی قانون اصلاح و تربیت با بازپروری کودکان و نوجوانان معارض با قانون رابطه معنی داری وجود دارد.



- ۳- بنظر می رسد بین اجرای برنامه های مشاوره ای ومدد کاری با بازپروری کودکان و نوجوانان معارض با قانون رتبطه معنی داری وجود دارد
- ۴- بنظر می رسد: بین اجرای برنامه بهداشتی -درمانی و بازپروری کودکان و نوجوانان معارض رابطه معنی داری وجود دارد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

اگرچه تلاش های زیادی در زمینه شناخت کودکان و نوجوانان در تماس با قانون صورت گرفته است، اما اکثر این کارها چه به صورت کتاب چه مقاله یا حتی پایان نامه، بیشتر به صورت تعاریفی از این کودکان و نوجوانان و علل اولیه و کلی ارتکاب بزه و شاید قسمت های مختلف قانون پرداخته اند. اما بررسی علل ارتکاب ثانویه بزه در میان مددجویان کانون و چرایی تکرار آن، کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. در این تحقیق سعی بر پر کردن این فضای کمتر کار شده است. زیرا این کودکان و نوجوانان به هر دلیلی که مرتکب بزه شده اند، باید با شناخت روش های مناسب مورد بازپروری قرار گیرند و این امر بر روی کودکان و نوجوانانی که تکرار جرم در آنها محرز است، باید تاکید بیشتری داشته باشد. در این تحقیق بیشتر تمرکز بر این دسته از مددجویان است تا علل تکرار جرم از منظر روش های تربیتی کانون مورد بررسی قرار گیرد

تعاریف

تعاریف نظری

بازپروری: احیای اخلاق و سلامتی روانی برای دستیابی به سطح قبلی اخلاقیات و پایدار نگهداشتن آن (خرسند ۱۳۹۰)

معارض : تعارض در لغت در عرض یا برابر هم قرار گرفتن و در اصطلاح حقوق آن است که دو قانون بصورتی هم عرض و برابر قرار گیرند که نتوان هر دو را همزمان اعمال نمود. نسبت بین دو قانون متعارض تباین و یا عموم و خصوص می باشد. با قانون: سرپیچی و مخالفت و نقض اصول وقوانین

برنامه های مذهبی: در لغت به معنای راه و روش تعبیر شده که بر این اساس می توان آن را به راه و روشی که افراد انسان برای زندگی خود اختیار می کنند تعبیر نمود.

برنامه های تفریحی و ورزشی: ورزش و تفریح به عنوان فعالیت های اجتماعی از نیازهای مشترک شهروندان و از حقوق شهروندی است که ارتباط تنگاتنگی با سلامت افراد جامعه دارد

فعالیت مشاوره ای و مددکاری: مددکاری اجتماعی یک خدمت حرفه ای است که بر دانش و مهارت های خاص استوار است. هدف از آن کمک به افراد، گروهها و جامعه است تا بتوانند استقلال شخصی و رضایت خاطر فردی و اجتماعی بدست آورند. بعبارتی مددکاری اجتماعی، حرفه ای است که برای توسعه و پیشرفت رفاه اجتماعی می کوشد. واحد مددکاری اجتماعی شرکت ملی گاز ایران با رعایت اصل احترام و رازداری آماده ارائه خدمات مشاوره ای در زمینه های روانی، تحصیلی، خانوادگی و شغلی است. این واحد با بکارگیری متخصصان باتجربه بالینی و مشاوره در جهت کمک به مراجعه کنندگان فعالیت می نماید.

مشورت کردن و اقدام به تشکیل شورا و مشورت با دیگران است [۱] مشاوره دارای ابعاد و انواع بسیار و گسترده ای است؛ به طور عمومی مشاوره تخصصی از رشته ها و مهارت های زیر مجموعه روانشناسی است.

تعاریف عملیاتی

برنامه مذهبی: براساس سوالات پرسشنامه سنجیده می شود

برنامه تفریحی - ورزشی: براساس سوالات پرسشنامه سنجیده می شود

برنامه مددکاری و مشاوره ای: براساس سوالات پرسشنامه سنجیده می شود

تعریف نظری (مفهومی)

ارایه تعریف نظری تکرار جرم چندان مشکل نیست. چنین تعریفی از تکرار جرم علی-الاصول ناظر به قانون گذاری کیفری و اجرای مقررات راجع به تکرار جرم در مرحله



صدور حکم یا اجرای مجازات هاست که بوسیله قضاوت و نهادهای ذیربط مدنظر قرار می‌گیرد. مفهوم تکرار که معادل انگلیسی آن (Recidivism) و معادل عربی آن «عود» است از واژه لاتین (Recidere) مشتق شده است که به معنی سقوط مجدد (Fall back) است. در این معنی تکرار جرم به عنوان یک موضوع حقوق کیفری عبارت از بازگشت یک فرد به ارتکاب رفتار جنایی است، بعد از اینکه او به علت ارتکاب جرم پیشین محکوم، مجازات و (به فرض) اصلاح شده است. چنین پدیده ای بیانگر سلسله ای از ناتوانی‌ها و کاستی‌هاست. از جمله بیانگر تصور فرد در انتخاب رفتاری موافق انتظارات جامعه، یا تصور او در مقاومت در برابر ارتکاب جرم، تصور او به عنوان یک مجرم جهت گریز از توقیف و محکومیت، ناتوانی فرد به عنوان یک مددجوی نهادهای اصلاح و تربیت جهت بهره‌مندی از برنامه‌های اصلاحی و تربیتی آنها، یا ناتوانی و تصور چنین نهادهایی جهت تمهید برنامه‌های بازپروری و همچنین بیانگر تصور فرد در قالب استمرار فعالیت‌های مجرمانه پس از آزادی است. در تبیین جنبه نظری مفهوم تکرار جرم با تاکید بر ناتوانی مراکز اصلاح و تربیت برای اصلاح بزهکاران، برخی چنین اظهار نظر کرده اند: «تکرار جرم به ناتوانی بزهکار در پرهیز از درگیری آینده با قوانین، بعد از آن که مدت حبس خود را سپری کرده است راجع است.» بسیاری از نوشته‌های راجع به اصلاح و تربیت، تکرار جرم را به عنوان (معیاری برای) ناتوانی زندان‌ها و برنامه‌های «اصلاح و تربیت مبتنی بر جامعه» از جلوگیری و بازپروری بزهکار در طول مدت حبس اول دانسته‌اند که در نتیجه به بازداشت و محکومیت به خاطر ارتکاب جرم دیگر یا نقض آزادی مشروط منجر شده است.

در تعریفی دیگر «درسی» تکرار جرم را به نحوی ساده به «بازگشت به رفتار جنایی» تعریف کرده و تکرار کنندگان جرم را بزهکار پیشینی می‌داند که به رفتار جنایی باز می‌گردد. برخی دیگر در تعریف تکرار جرم گفته‌اند: «تکرار جرم تکرار رفتار جنایی به وسیله فردی است که ثابت است از عدم «اهلیت روانی» رنج می‌برد. «متکالف» تکرار جرم را به «بازگشت به عادت جنایی پیشین به ویژه پس از تحمل مجازات» تعریف می‌کند. به همین دلیل برخی از نویسندگان تاکید کرده‌اند که «آشکار است که این واژه هم در مکالمات عمومی و هم در کاربرد حقوقی آن، دلالت بر تحمل قبلی مجازات دارد... به عبارت دیگر به نظر می‌رسد این تعریف مورد اتفاق باشد که تکرار کننده جرم

کسی است که قبلاً مورد مجازات (حبس) قرار گرفته است (به استثنای کسانی که تحت بازداشت هستند). از این نظر در یک تعریف قدیمی اما به معنای دقیق حقوقی تکرار کنندگان جرم کسی است که قبلاً مجازات کار اجباری را طی کرده یا در حبس و یا قانون اصلاح و تربیت را سپری کرده و اکنون نیز به مجازات کار اجباری یا حبس محکوم شده است.» (غلامی، ۱۳۹۰، صص ۴۴ و ۴۵).

تعریف کاربردی:

همانگونه که بیان گردید صرف نظر از تعریف نظری تکرار جرم، ارایه تعریفی کاربردی از آن نیز ضروری است. چنین تعریفی خصوصاً در مطالعات جرم شناختی تکرار جرم لازم است، زیرا تردیدی نیست که تعریف مفهومی تکرار جرم تنها بخشی از واقعیت آن را می تواند آشکار سازد. بر همین اساس در سال ۱۹۸۴ «مالتز» در اثر خویش به بررسی تقریباً ۹۰ پژوهش که در برگزیده تعاریف کاربردی تکرار جرم بوده اند پرداخت و سپس آنها را در گروههای ذیل دسته بندی کرد:

- ۱- توقیف، تعداد بازداشت ها، سوابق ارتباط با پلیس؛ حضور در مقابل دادگاه؛ زمان سپری شده قبل از اولین توقیف؛ آیا نتیجه توقیف محکومیت بود؟
- ۲- محکومیت مجدد؛ محکومیت به حبس کمتر از یک سال (در Jail) یا بیشتر از یک سال (در Prison)، جنایت یا کمتر از آن و مجازات؛
- ۳- حبس، نوع محل حبس، و شدت جرم؛
- ۴- تعدی از شرایط آزادی مشروط؛ ماهیت تعدی و تخطی مذکور؛ شدت نقض شرایط آزادی مشروط؛ آیا به دخالت پلیس منجر شد؟
- ۵- تعلیق آزادی مشروط؛ جرم ارتكابی جدید و تعداد دفعات تعلیق های انجام شده...
- ۶- نقض آزادی مشروط؛ ارتكاب جرم جدید؛ شدت جرم ارتكابی، و تعداد متوسط روزهای خوب (منظور روزهایی است که آزاد شده مشروط بدون ارتكاب جرم جدید یا نقض شرایط آزادی مشروط با موفقیت سپری نموده است).
- ۷- جرم؛ شدت؛ تعداد؛ جرم جدید.



۸- فرار؛ آیا حکم دستگیری صادر شده است؟

۹- پرویشن (تعليق مراقبتی)؛ نسبت بازداشت مجدد، مدت زمان بازداشت، تعداد تعديات به پرویشن و حکم به تجاوز به آن.

هر کدام از این تعاریف در تحقیقات متعدد مورد استفاده قرار گرفتند، در حالی که خود آنها نیز کاربردی تر شده اند. برای مثال، توقیف مجدد به عنوان یک معیار برای تکرار جرم، به گونه های مختلف کاربردی شده است؛ توقیف مجدد به خاطر ارتکاب جرم جنایی (توقیف جنایی)، تعداد توقیف ها، و تعداد توقیف بر اساس نوع جرم ارتكابی. براساس تفاوت تعریف های اتخاذ شده برای تکرار جرم، ممکن است نتایج تحقیقات نیز متعدد باشد.

مبانی نظری و مروری بر تحقیقات انجام شده

تبیین مفاهیم و سیر تحول کانون اصلاح و تربیت در مکاتب جزایی و اسناد بین المللی اندیشمندان و علمای حقوق پس از سالها اعمال مجازات های خشن و همانند با بزرگسالان بر کودکان و نوجوانان، به این نتیجه رسیدند که اعمال مجازات های خشن و یکسان، راه حلی برای اصلاح و تربیت کودکان و نوجوانان نیست. کودکان و نوجوانان به دلیل تفاوت هایی که با بزرگسالان دارند، باید شیوه های متمایزی نیز برای اصلاح و تربیت آنها مورد استفاده قرار گیرد. شیوه هایی که بتواند در ضمن تنبیهی بودن، خاصیت بازپروری و توانبخشی بالایی داشته باشند تا کودک و نوجوان بعد از گذراندن دوران محکومیت خود بتواند به عنوان یک شهروند مولد و فعال دوباره به اجتماع بازگردد. به همین دلیل بود که اکثر کشورها بعد از انتشار دکترین مکتب تحقیقی و بالاخص دکترین مکتب دفاع اجتماعی نوین، شیوه های خشن را از قوانین جزایی کشور خود زدودند و شیوه هایی را برای مجازات کودکان و نوجوانان برگزیدند که وجهه اصلاحی و بازپروری آنها غالب بوده است.

با توجه به نظریه های مختلفی که به دنبال این تحول مطرح شد، توجه ویژه ای از نظر جرم شناختی به جرایم کودکان و نوجوانان صورت گرفت، به گونه ای که از نظر علم

جرم‌شناسی و روانشناسی، کودکان و نوجوانان به حدی از مجرمیت نرسیده‌اند که بتوان اصطلاح مجرم را در مورد آنها به کار برد، بلکه برای آنها باید از اصطلاح «معارض با قانون» استفاده کرد که بیانگر عدم شکل‌گیری شخصیت مجرمانه و ظرفیت بالای بازپروری و اصلاح در آنهاست.

بازپروری به فرآیندی اطلاق می‌شود که با فرض شناسایی کامل عوامل جرم‌زا، درصد ایجاد شرایطی باشیم که تمامی مجرمان به صورت عام، و کودکان و نوجوانان به صورت خاص، بتوانند مسیری را برای بازاجتماعی شدن ببینند و در نهایت با رفع علل ارتکاب جرم بتوانند دوباره به جامعه بازگردند. کودکان و نوجوانان نیز با توجه به تفاوت‌های جسمی، روانی و جرم‌شناختی که با بزرگسالان دارند باید در محیطی متفاوت از بزرگسالان مورد بازپروری قرار گیرند، به همین دلیل قانون اصلاح و تربیت برای بازپروری و اصلاح و تربیت این دسته از کودکان و نوجوانان ایجاد شده است.

الف- مفهوم کودک و نوجوان

«کودک و نوجوان به فردی اطلاق می‌شود که از حیث جسمی، ذهنی و عاطفی آمادگی کافی برای امور فردی و اجتماعی خود را ندارند. حسب شرایط مختلف اقلیمی و محیطی، رسیدن فرد به حد بلوغ جسمی، عقلی و عاطفی در جامعه‌ای نسبت به جامعه دیگر متفاوت است. از این رو معیار ثابتی در تمییز گذر از دوران کودکی و نوجوانی و ورود در دوران جوانی و بزرگسالی نمی‌توان ارائه کرد.

معمولاً در نظام‌های حقوقی کشورها، برحسب شرایط و مقتضیات اجتماعی خود، حد سنی معینی را که اصطلاحاً «سن مسئولیت کیفری» نامیده می‌شود به عنوان اماره بلوغ و رشد جهت قابلیت پاسخگویی فرد به رفتار مجرمانه پیش بینی نموده‌اند. (لنگرودی، ۱۳۷۲)

توصیه اکیدی که در مجموعه مقررات مربوط به دادرسی ویژه نوجوانان (مقررات پکن)، در خصوص تعیین سن مسئولیت کیفری به نظام‌های حقوقی کشورها گردیده است،



این که سن مزبور با توجه به واقعیت های بلوغ عاطفی، روانی و عقلی اقلیمی و اجتماعی هماهنگی داشته باشد.^۱

ماده ۱ معاهده کودک بدون تفکیک اصطلاح کودک و نوجوان واژه عمومی کودکان را به کلیه اشخاص زیر ۱۸ سال، مشروط به اینکه طبق قانون قابل اجرا در کشوری سقف سنی دیگری مقرر نشده باشد اطلاق می کند. در حالیکه بخش ۱۱ مقررات سازمان ملل در مورد کودکان و نوجوانان محروم از آزادی مصوب ۱۹۹۰، اشخاص زیر سن ۱۸ سالگی را بدون قید و شرط «نوجوان» نامیده است.^۲

در علوم روانشناسی کودک، برحسب سیر رشد فرد، دوران کودکی تفکیک شده است. به فاصله سنی ۱۲ تا ۱۸ سال دوره نوجوانی و به پایین تر از آن دوره کودکی گفته اند. (سادات، ۱۳۷۲، چاپ اول)

در حقوق کیفری ثمره علمی تفکیک دوره های مزبور، در نحوه واکنشی است که در قبال رفتار مجرمانه کودکان و نوجوانان بر حسب تکامل دوره سنی، عاطفی و ذهنی اتخاذ می شود. به نظر می رسد با توجه به تفاوت واکنشهای مقرر در حقوق کیفری نسبت به رفتار مجرمانه در دوره های سنی مختلف قبل از بلوغ جسمی، ذهنی و عاطفی، می توان تفکیک سنی دوره کودکی و نوجوانی را بر حسب علوم روانشناسی کودک پذیرفت. بنابراین دوره کودکی از بدو تولد تا سن ۱۲ سالگی و دوره نوجوانی از ۱۲ تا ۱۸ سالگی است. (موزن زادگان ۱۳۸۹، ص ۱۱۲).

علمای حقوق و فقهاء به جهت تأثیرات خاصی که دوره کودکی در حقوق و تکالیف دارد اقدام به تعریف آن نموده اند. از نظر عرف دوره کودکی پس از نوزادی شروع و تا رسیدن به سن قانونی ادامه می یابد. حد فاصل میان نوزادی و نوجوانی را عرف عام دوره ای کودکی می گویند.

^۱-compendium united nations standards and norms in crime prevention and criminal justice.op.cit.p 172

^۲-Ibid.p.277.

^۳Ibid.p.196

^۴Michael Jefferson.Criminal Law.Pearson Education Limited.2001.pp.251-252

علماء حقوق ذیل کلمه صغیر می گویند: پسر و دختری که به بلوغ شرعی نرسیده است از محجورین است، به محض رسیدن به بلوغ حجر او محو می شود، بدون این که احتیاج به صدور حکم از سوی حاکم شرع باشد، اگر پیش از بلوغ به حدی رسد که دارای تمیز باشد او را صغیر ممیز گویند.

همچنین ذیل واژه بلوغ می نویسند: سن بلوغ و رشد با پیدایش یکی از پنج وضعیت برای طفل حاصل می شود که عبارت از روئیدن موی در بعض قسمت های بدن، (در صورت، زیر بغل و اطراف آلت)، احتلام در پسران، حیض در دختران، رسیدن به سن ۹ سال تمام در دختران و ۱۵ سال تمام در پسران، و استعداد بارور شدن دختران خواهد بود. اگر این ویژگی ها در کسی به منصفه ظهور و مشاهده نرسد کودک است و الا نوجوان یا جوان خواهد بود. و نیز گفته شده که صغار جمع صغیر است و در اصطلاح «صغیر» به کسی گفته می شود که از نظر سن به نمو جسمانی و روحی لازم برای زندگانی اجتماعی - نرسیداست.

فقها هم در بخش های وسیع از فقه به تناسب بحث، به تعریف کودک پرداخته اند. حضرت امام خمینی (ره) در تحریر می فرماید: «الصغیر وهو الذی لم یبلغ حد البلوغ محجور علیه شرعا لا تنفذ تصرفاته فی أمواله» صغیر کسی است که به حد بلوغ نرسیده باشد، این شخص از تصرفات در اموال خود ممنوع خواهد بود و در ادامه می افزاید: هرچند که در کمال تمیزی و رشد باشد و تصرفاتش در نهایت سود و صلاح صورت گیرد. چنین شخصی از نظر فقها کودک تلقی می گردد.

دکتر وهبه الزحیلی در «الفقه الاسلامی و ادلته» می نویسد: «الصغر: طور به کل إنسان، یبدأ من حین الولادة الی البلوغ» کودکی دوره ای است که به هر انسانی خواهد گذشت، آغاز آن هنگامه ولادت و پایان آن رسیدن به حد بلوغ است. و در ادامه می گوید: علما حنفی و مالکی گفته اند: صغیر یا ممیز است یا غیر ممیز، و غیر ممیز کسی است که هفت سال تمام را سپری نکرده است. و ممیز به کسی گویند: که هفت سال تمام از عمرش گذشته است بنابراین مقطعی از عمر انسان به دوره کودکی اختصاص دارد، هر چند که از لحاظ عرفی، حقوقی و فقهی، مرز دقیقی برای آن تعیین نشده است. چون



اوضاع شرایط محیطی، وراثتی و تغذیه در آن مؤثر است. اما با پیدایش یکی از حالات فوق انسان از وضعیت کودکی خارج و به دوره ای نوجوانی و جوانی وصل می‌گردد.

ب- معارض با قانون

نظریه منع «برچسب زنی» در جرم‌شناسی که مبتنی بر توصیه به مقامات انتظامی، قضایی و جامعه از توصیف رفتار افراد در قالب عناوین مجرمانه و استعمال واژه های مجرم و یا بزهکار به ایشان است، اگرچه به چالش کشیده شده است (نجفی ابرند آبادی و هاشم بیگی ۱۳۷۷، صص ۲۰۵-۲۰۴)

و این چالش در مورد بزرگسالان قابل تامل است، لیکن به نظر می‌رسد که در مورد کودکان و نوجوانان به طور کامل باید رعایت شود. زیرا آنان که در جریان سیر طبیعی خود به سوی رشد و کمال عقل گام بر می‌دارند تلقین پذیرند. وقتی که متصف به رفتار مجرمانه می‌گردند، خود را در قالب این عنوان یافته و با آن هماهنگ می‌شوند و خلاصی از ذهنیت توصیف به «مجرم بودن» یا «بزهکار بودن» چنانچه محال نباشد حداقل بسیار دشوار است. به علاوه و مهمتر اینکه رفتار مجرمانه کودکان و نوجوانان گذرا و ناپایدار است و در جریان رشد و به تدریج تا زمان بلوغ و پختگی روانی و ذهنی اصلاح می‌گردد. (سادات، همان، صص ۳۹-۴۰) و از طرفی فاقد مسئولیت کیفری و یا فقد مسئولیتی همسان با بزرگسالان می‌باشد. پس چگونه می‌توان ایشان را مجرم یا بزهکار نامید؟؟

به همین جهت وفق قسمت «ف بند ۵ اصول بنیادین رهنمودهای سازمان ملل برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان (رهنمودهای ریاض) مصوب سال ۱۹۹۱ میلادی» بنابر عقیده رایج میان کارشناسان، زدن برچسب منحرف، بزهکار و مستعد بزهکاری به نوجوان غالباً موجب پیدایش الگوی رفتاری ناپسند در ایشان می‌گردد. همینطور ماده ۸

¹www.hawzah.net

²-compendium united nations standards and norms in crime prevention and criminal justice.op.cit.p

مقررات پکن نیز به حق نوجوانان مبنی بر حفظ حریم خصوصی ایشان از برجسب خوردن به عنوان بزهکار یا مجرم و افشا هویت ایشان تاکید نموده است.^۱

لذا با عنایت به مراتب مزبور به نظر می‌رسد که اتخاذ واژه معارض با قانون در برخی متون دادرسی اطفال در زمینه توصیف آن دسته از کودکان و نوجوانانی است که رفتار ایشان در مغایرت با قوانین کیفری و دارای عناوین مجرمانه است، به مراتب شامل بار منفی کمتری نسبت به واژه‌های بزهکار، مجرم یا منحرف می‌باشد. به کار بردن واژه های مزبور به صورت نا خودآگاه رفتاری ضداجتماعی در کودکان و نوجوانان به وجود می‌آورد. (موذن زادگان، ۱۳۸۹، ص ۱۱۲)

ج- بازپروری

اصطلاح بازپروری متضمن این معناست که بزهکار دارای سابقه و توانایی‌های یک شهروند مولد است و به همین دلیل قبل از هر چیز او باید دوباره آموزش دیده و به سوی ارزش‌هایی که در یک حیات مولد و برای یک شهروند مفید ضروری است سوق داده شود. برخی از متخصصان معتقدند به جای بازپروری (Rehabilitation) باید اصطلاح پرورش (Habilitation) استفاده کرد. «پرورش» بر این واقعیت تاکید می‌کند که بسیاری از مجرمان در محیطی جرم‌زا و بدون دستیابی به حتی احساسات اخلاقی یا کلاس‌های درس و امکانات اشتغال رشد می‌کنند و نمی‌توانند بنیان زندگی مستقل و فارغ از بزهکاری را پی‌بریزند. برای چنین گروهی از بزهکاران «پرورش» دقیقاً به معنای نیاز به برخورداری از مهارت‌های اساسی برای اولین بار است.

استفاده بسیار متداول از بازپروری متضمن پذیرش نکاتی چند راجع به بزهکار و برنامه‌های اصلاح و تربیت می‌باشد، که از آن جمله است:

- ۱- بزهکاران (زندانی) مشکلاتی دارند که علت مستقیم بزهکاری آنان است.
- ۲- پرسنل برنامه‌های اصلاح و تربیت دقیقاً می‌توانند این مشکلات را تشخیص داده و درمان‌های مناسب را برای اشخاص در دسترس داشته باشند.
- ۳- این درمان‌ها ترجیحاً به مورد اجرا در خواهند آمد.



۴- مشکلات در نتیجه استفاده از این درمان‌ها «رفع» شده و یا حداقل کاهش می‌یابند.

۵- به علاوه در نتیجه کاهش مشکلات مذکور رفتار جنایی افراد نیز کاهش خواهد یافت.

به این ترتیب هدف اصلی از بازپروری بزهکاران، پیشگیری از تکرار جرم آنها و یا کاهش نرخ آن است. راهبرد بازپروری بر تغییر رفتار بزهکاران جهت عدم استمرار اعمال مجرمانه آنها تکیه می‌کند. در این راستا هدف آن است که با «تشخیص» تفاوت‌های آنها، مناسب‌ترین و موثرترین شیوه برای تغییر رفتار غیرقانونی بزهکاران اتخاذ گردد. این تشخیص با استفاده از تئوری‌های روانشناسی و دانش‌هایی که می‌توانند در تغییر و اصلاح رفتارهای غیر قانونی و مجرمانه بزهکاران مورد استفاده قرار گیرند، صورت می‌پذیرد.

پژوهشگران روانشناسی تاکید می‌کنند که برنامه‌های اصلاحی و درمانی موثر برای پیشگیری از تکرار جرم، باید از اصولی چند تبعیت کنند. اول آنکه درمان باید مستقیماً متوجه آن دسته از ویژگی‌هایی باشد که قابل تغییر بوده (ویژگی‌های دینامیک یا سیال) و در ارتباط مستقیم با رفتار مجرمانه فرد هستند. عوامل جرم‌زا عوامل متعددی هستند که در بروز رفتار مجرمانه مؤثرند. سن، جنس و اشتغال به ارتکاب جرم در سنین اولیه از آن جمله‌اند. در مقایسه با سایر عوامل، ارتکاب جرم در سنین نوجوانی برای پسران، احتمال ارتکاب مستمر جرم را در آینده افزایش می‌دهد. با این وجود چنین ویژگی‌های آماری و از جمله سن و جنس-گرچه می‌تواند در پیش‌بینی تکرار جرم مورد استفاده قرار گیرد- اما در برنامه‌های درمانی قابل استفاده نیستند. در حالیکه فاکتورها و عوامل سیال و قابل تغییر باید بخشی از آماج‌های برنامه‌های درمانی را تشکیل دهند.

علاوه بر این، در درجه دوم، برنامه‌های اصلاحی و تربیتی که برای بازپروری بزهکاران تنظیم می‌گردد، ضرورتاً باید بوسیله کارکنان کارآزموده و ماهر، به همان ترتیبی که برنامه‌ریزی شده‌اند، به مورد اجرا درآیند. اجرای برنامه‌های مذکور بوسیله پرسنل فاقد مهارت و کاردانی نمی‌تواند کاهش تکرار جرم را در پی داشته باشد.

در اجرای برنامه‌های اصلاح و تربیت اصل سومی نیز باید رعایت شود و آن این است که برنامه‌ها کسانی را باید مورد هدف قرار دهند که در معرض تکرار جرم هستند، زیرا کاهش تکرار جرم قابل اندازه‌گیری و ارزیابی است. بسیاری از بزهکاران از درجه تکرار

جرم اندکی برخوردارند و تأثیر برنامه‌های اصلاح و تربیت بر کاهش تکرار جرم آنها به سختی قابل ارزیابی است.

آخرین اصل اجرای برنامه‌های اصلاحی و درمانی موثر این است که این برنامه‌ها باید به تربیتی اجرا شود که با توانایی‌ها و قابلیت‌های فراگیری بزهکاران متناسب باشند. بر این اساس باید ویژگی‌های رفتار فردی و اجتماعی بزهکاران مدنظر قرار گیرد. (غلامی، ۱۳۹۰، صص ۶۰-۶۲).

د- قانون اصلاح و تربیت

بزهکاری کودکان و نوجوانان و روش‌های خاص اصلاح و تربیت آنان، با توجه به شرایط سنی و اجتماعی و علل و انگیزه‌های غالباً متفاوت بزهکاری در این قشر با بزرگسالان، موجب تغییر نگرش و توجه جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان و مددکاران اکثر جوامع شده و در نهایت موجب گردید تمهیداتی جهت نگهداری و تربیت و تهذیب کودکان و نوجوانان معارض با قانون با قوانین خاص در نظر گرفته شود. به همین منظور در ایران در سال ۱۳۴۷ در منطقه شمال غرب تهران واقع در منطقه شهر زیبا ساختمان و ابنیه اولین مجتمع نگهداری این کودکان و نوجوانان معارض با قانون با نام «قانون اصلاح و تربیت کودکان و نوجوانان» تاسیس و شروع به فعالیت نمود.

طبق ماده ۱۷ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴/۹/۲۰، قانون مزبور چنین تعریف شده است: «قانون اصلاح تربیت مرکزی است که اطفال و نوجوانان بزهکار کمتر از ۱۸ سال تمام در آنجا برای اصلاح، تربیت و آموزش نگهداری می‌شوند.»

به عبارت دیگر کلیه ارکان و بخش‌های قانون اصلاح و تربیت در مسیر این هدف قرار دارند تا کودکان و نوجوانانی که دارای شخصیت معارض با قوانین جامعه دارند را با شیوه‌های خاص، مورد اصلاح و تربیت قرار دهند تا در نهایت کودک یا نوجوان بتواند با بهره‌گیری از روش‌های تربیتی اعمال شده، به عنوان نیرویی مفید و مولد دوباره به اجتماع بازگردد. در فصل دوم این بخش قانون اصلاح و تربیت به صورت کامل تحت عنوان یک فصل، با تمامی ارکان و اهداف مورد بررسی قرار خواهد گرفت.



سابقه تشکیل کانون اصلاح و تربیت در مکاتب کیفری و اسناد بین‌المللی

در این گفتار به عقاید و نظرات مکاتب مختلف و اسناد بین‌المللی در ارتباط با مسئله اصلاح و تربیت اطفال و نوجوانان بزهکار خواهیم پرداخت. با مطالعه نظرات اندیشمندان مکاتب مختلف به این نتیجه می‌رسیم که سالیان درازی تفاوتی در میزان مجازات اطفال و بزرگسالان دیده نمی‌شود. قوای حاکمه در مواجهه با بزهکاری تمام توجه خود را به جرم ارتكابی معطوف کرده و از مجازات به عنوان ابزاری برای ایجاد رعب و ترس و عامل بازدارنده استفاده می‌نمایند. به فرد مجرم توجه نکرده و برای بازگشت مجدد او به جامعه تدابیر اصلاحی و تربیتی اتخاذ نمی‌کنند. اما با گذر زمان و ظهور مکاتب مختلف و اندیشه‌های نو در خصوص وضع قوانین و توجه به فرد بزهکار، موضوع اصلاح و تربیت بزهکار مطرح و مورد توجه قانونگذاران بسیاری از کشورها قرار می‌گیرد. به گونه‌ای که امروزه مسئله اصلاح و تربیت به خصوص اطفال و نوجوانان بزهکار به عنوان هدف اصلی مطرح و به مجازات به عنوان ابزار ثانوی نگاه می‌گردد. در ادامه به سابقه تاریخی تشکیل مراکز اصلاحی و تربیتی در برخی کشورها که با الهام از نظرات پیروان مکاتب اتفاق افتاده، خواهیم پرداخت و در نهایت اسناد بین‌المللی را به صورت مختصر مورد بررسی قرار می‌دهیم.

دانشمندان و فلاسفه به پیروی از عقاید فلاسفه مخصوصاً سقراط و افلاطون، شدت مجازات را مورد انتقاد قرار دادند. سقراط ضمن انتقاد از شدت مجازات‌ها، معتقد بود که ما «نبایستی با تبهکاران با خشونت رفتار کنیم، بلکه باید به آنها بیاموزیم که به چه ترتیب از ارتکاب بزه خودداری نمایند. زیرا جنایت ثمره جهل و نادانی است و تعداد بیشماری از افراد که در نتیجه بد شانسی نتوانسته‌اند معرفتی کسب کنند مرتکب جرم می‌شوند.» افلاطون عوامل اجتماعی و اقتصادی مخصوصاً فقر و ثروت را منشا بروز جرایم اعلام نموده است. او اعتقاد دارد که دو عامل مذکور عواطف انسانی را دگرگون ساخته و افراد را به طرف ارتکاب جرم سوق می‌دهد.

ارکان کانون اصلاح و تربیت و نقش آنها در بازپروری کودکان و نوجوانان

اقدامات و فعالیت‌های کانون در حالت کلی شامل اقدامات تأمینی، اقدامات تربیتی و اصلاحی، اقدامات رفاهی و مراقبت بعد از خروج می‌باشد.



- اقدامات تامینی شامل: پذیرش و تشخیص، اسکان، ملاقات، اقدامات حمایتی، بهداشت، درمان و تغذیه؛

- اقدامات تربیتی و اصلاحی شامل: مددکاری، فرهنگی و آموزشی - روانشناسی؛

- اقدامات رفاهی شامل: برگزاری اردوهای تفریحی، زیارتی، سیاحتی، برگزاری رقابت- های ورزشی و استفاده از امکانات استخر و ورزشگاه...؛

- مراقبت بعد از خروج هم شامل: اقدامات روانشناسی و مددکاری بعد از خروج از کانون، خانه های حمایتی که تامین کننده نیازهای عاطفی، آموزشی، مالی و... می باشد. (موحدی محصل طوسی، ۱۳۸۱، صص ۱۹ تا ۲۵)

قانون اصلاح و تربیت به طور متوسط ۲۵۰ الی ۲۷۰ مددجو را در خود جای می دهد و بر حسب سن و نوع جرم به پنج گروه تقسیم می نماید. هر مددجو با توجه به میزان تحصیلات و علاقه در یکی از کارگاه های موجود در کانون تحت آموزش قرار گیرد. مدیر کانون به پیشنهاد مدیر کل زندانهای هر استان و با تایید رئیس سازمان زندانها منصوب می شود که مدیریت و سیاست گذاری های کانون و سایر وظایف و اختیاراتی که در طول فصل به آن اشاره خواهیم کرد را به عهده دارد.

براساس ماده ۱۹ آیین نامه قانونی و مقررات سازمان زندان ها و اقدامات تامینی و تربیتی، «قانون اصلاح و تربیت مرکزی است جهت نگهداری، اصلاح و تربیت، تهذیب اطفال غیر بالغ و بزهکارانی که کمتر از ۱۸ سال سن دارند.» از مهمترین آثار تاسیس کانون اصلاح و تربیت جداسازی مجرمان زیر ۱۸ سال از مجرمان بزرگسال و برنامه های ویژه برای اصلاح و تربیت برای بازگرداندن مجدد به جامعه است. با توجه به اینکه بزهکاری پدیده ای زیستی، روانی و اجتماعی است و نظر به این که عوامل اجتماعی نقش موثری در ارتکاب و رفع آن دارند، به همین جهت اداره کانون بر مبنای مشارکت می باشد. کانون اصلاح و تربیت از ۴ قسمت مجزا تشکیل شده است. هر قسمت با توجه به کارکنان و متخصصان وظایف مختلفی را بر عهده دارند. در هر قسمت اطفال بر حسب سن، با رعایت تبصره ذیل ماده ۲۳ قانون تشکیل دادگاههای اطفال بزهکار و سابقه ارتکاب جرم و حتی الامکان از نظر جرم و درجه تربیت پذیری طبقه بندی خواهند شد. قسمت های مختلف کانون عبارتند از:



۱- قسمت نگهداری موقت

۲- واحد پذیرش و تشخیص و تحقیقات جرم شناسی

۳- قسمت آموزش

۴- قسمت زندان (اندرزگاه)

بررسی جرم‌شناختی علل تکرار جرم در کودکان و نوجوانان کانون اصلاح و تربیت با رویکردی میدانی

تکرار جرم، از جمله دقیق‌ترین و سخت‌ترین مباحث حقوق کیفری است. هم از آن جهت که با مسایل جزایی و اجتماعی مرتبط است و هم بدان دلیل که در راستای عدالت، در ارتباط با آن مشکلات متعددی برای دادگاه‌ها ایجاد می‌شود. تکرار جرم بی-گمان ظریف‌ترین مساله جرم‌شناسی را نیز تشکیل می‌دهد که باید به حل آن پرداخت و مساله‌ای در حاشیه تبهکاری نیست.

برای مقابله با بازگشت بزهکاران به جرم، قانونگذاران، مجریان قوانین و متخصصین و پژوهشگران عرصه‌های مختلف علوم جنایی و از جمله جرم‌شناسی از راهکارها، تدابیر و روش‌های متعددی سود جستند تا بر این معضل حقوق کیفری و نهادهای اصلاح و تربیت فایق آیند. تکرار جرم علاوه بر آنکه نشانه ناتوانی و قصور بزهکار جهت باز اجتماعی شدن و انطباق با حیات عاری از جرم است، بیانگر کاستی و ناتوانی نهادهای مجری عدالت کیفری، جهت بازسازی و بازپروری بزهکار و همچنین پیشگیری از جرم هست. به این ترتیب با وجود صرف هزینه‌های فوق‌العاده سنگین در نظام عدالت کیفری که مصروف تاسیس دادگاه‌ها، زندان‌های عظیم، کارگاه‌های آموزش علمی و حرفه‌ای، تحقیقات متعدد در مراحل تشخیص و درمان و غیره می‌گردد، بازگشت بزهکاران به جرم، همچنان امری پایدار و مستمر است. (غلامی، ۱۳۹۰، صص ۱۵ و ۱۶)

تکرار جرم بویژه در جرایم ارتكابی کودکان و نوجوانان بزهکار امری است که به مراتب اهمیت بیشتری دارد. زیرا کودکان و نوجوانان در سنینی قرار دارند که در صورت ارتكاب بزه شرایط مساعدتری برای بازپروری و بازگشت به جامعه را نسبت به بزرگسالان دارا



می‌باشند. اما تکرار جرم از سوی آنها مبین این مساله است که تلاش نهادهای اصلاحی و تربیتی در بازپروری آنها بی‌نتیجه بوده و جرم در آنها رو به نهادینه شدن است.

در مورد کودکان و نوجوانان کانون اصلاح و تربیت می‌توان گفت که عامل اصلی تکرار جرم را باید در همان عوامل ارتکاب جرم جستجو کرد. نداشتن خانواده و در اغلب موارد داشتن خانواده‌های از هم گسیخته (اکثراً معتاد)، محیط زندگی نامناسب و جرم‌زا که غالباً در مناطق حاشیه نشین و فقیر اطراف شهر می‌باشد همه و همه از عواملی هستند که کودکان و نوجوانان کانون اصلاح و تربیت بعد از آزاد شدن دوباره به آن باز می‌گردند و همان عواملی که باعث ارتکاب جرم برای بار اول شده بود باعث تکرار آنها برای بارها و بارها می‌شود. داشتن خانواده‌های معتاد باعث گرایش به اعتیاد شده و اعتیاد زمینه بسیاری از جرایم مانند کیف زنی، خفت‌گیری، سرقت، خرید و فروش مواد مخدر (اغلب در پسران) و فرار از خانه، روابط نامشروع (اغلب در دختران) فراهم می‌آورد. شامبیاتی، ۱۳۸۴، انتشارات مجد، ص ۱۱۸)

علت شناسی تکرار جرم در پرتو نظریه‌های دانشمندان جرم‌شناسی

اغلب مردم زمانی که برای نخستین بار با واژه نظریه روبرو می‌شوند به سرعت از خود مقاومت نشان می‌دهند. دلیل این مساله، این باور آنهاست که نظریه، چیزی انتزاعی است و قابلیت پیاده شدن واقعی در «دنیای واقعی» را ندارد. اما آنچه را که آنها متوجه نمی‌شوند، این است که ما، همگی از نظریه استفاده می‌کنیم؛ نظریه بخشی از زندگی روزمره است. زمانی که شما تکه‌ای ابر سیاه در آسمان می‌بینید و می‌گویید که باران خواهد بارید، دقیقاً نوعی نظریه را بکار برده‌اید. البته این نظریه نسبتاً ساده است اما به هر حال، بیانگر روابط میان ابرها به طور کلی، ابرهایی که سیاه هستند و قطرات بارانی است که از آسمان فرو می‌ریزد.

از آنجایی که معمولاً بیش از یک نظریه وجود دارد که ادعای تشریح ارتکاب جرم را در هر زمان داراست، باید نظریه‌ای را انتخاب و بحث کرد که ملاک‌های لازم برای یک نظریه خوب را دارا باشد. نظریه خوب نظریه‌ای است که از نظر منطقی، به خوبی ساختار بندی شده، بر شالوده شواهد و قرائن در دسترس بنا گردیده و از سوی تحقیقات بعدی



حمایت و پشتیبانی شود. چنین نظریه ای هم چنان از خلال حقایق گوناگون، معنای خود را پیدا می کند و ما را از شرایط اطراف پدیده ای که در پی توصیف آن است، آگاه می سازد. از آنجا که نظریه های گوناگونی در رابطه با علل ارتکاب جرم در کودکان و نوجوانان و هم چنین علل تکرار جرم در میان آنها وجود دارد، ما سعی می کنیم از نظریه هایی برای بیان مطالب استفاده کنیم که بیشترین رابطه را با یافته های پژوهش دارد و در بیان علل تکرار جرم در میان کودکان و نوجوانان کانون اصلاح و تربیت قدرت کامل را داشته باشد.

الف - نظریه خرده فرهنگ بزهکاری کوهن

« پسران بزهکار: فرهنگ ولگردان » (۱۹۹۵)، اثر آلبرت کوهن اولین تلاش برای حل این مساله بود که چگونه یک خرده فرهنگ بزهکاری می تواند آغاز شود. کوهن همچنین تلاش می کند تا دیدگاههای مختلف نظری شامل کارهای کلیفوردشاو و هنری مک کی، ادوین ساترلند و رابرت مرتون را در هم ادغام کند. (این نظریه ها در صفحات بعد بیان خواهند شد)

اولین مسایل عمده موقعیتی که بچه های طبقه پایین با آن روبرو می شوند، در نظام مدرسه یافت می شود. این بچه ها نه تنها باید به رقابت با بچه های طبقه متوسط پردازند بلکه بوسیله بزرگسالانی که با «خط کش طبقه متوسط» یعنی نظامی از استانداردها، که برای بچه های طبقه پایین رسیدن به آن مشکل است، ارزیابی می شوند. این استانداردها شامل، مشارکت، به تاخیر انداختن پاداش، وضع اهداف دراز مدت، و احترام به دارایی - های دیگران است. تمامی این موارد به طور ذاتی در ارتباط با ثروتمند بودن یک فرد و داشتن والدینی کاملاً مطلع از آینده و پرداخت شدن کامل حقوق می باشد. هیچکدام از این استانداردها برای والدین بچه های طبقه پایین، بدیهی و روشن نیست و نمی توان از آنها انتظار داشت که به فرزندانشان دروغ بگویند. در این چارچوب رقابتی، بچه های طبقه پایین، در راه کسب موفقیت، در میان دانش آموزان جلوتر و معلمان عقب می مانند. آنانی که بیشتر احساس زیان می کنند، بیشتر از محرومیت در رنج هستند. کوهن با بکار گیری ساز و کار فرویدی قالب بندی واکنش (سازو کاری دفاعی برای غلبه بر

تشویش) نوعی واکنش خصمانه را که ممکن است نسبت به ارزش‌های طبقه متوسط انفاق افتد، نشان می‌دهد.

نکات عمده این نظریه عبارتند از:

۱- اعضای جامعه دارای نظام ارزشی مشترکی هستند که بر ارزش‌هایی خاص نسبت به دیگر ارزش‌ها تاکید دارد. در ایالات متحده این ارزش‌ها ارتباط تنگاتنگ با طبقه متوسط دارد.

۲- اغلب این ارزش‌های مشترک، بر اهدافی تاکید دارند که به بدست آوردن موقعیت منجر می‌شود. لذا موقعیت به خودی خود به یک هدف تایید شده تبدیل می‌شود.

۳- فرصت‌ها برای رسیدن به این اهداف بیشتر در دسترس طبقه متوسط است تا طبقه پایین.

۴- نهادهای اجتماعی بویژه مدرسه، بازتاب‌دهنده ارزش‌های مورد هدف طبقه متوسط هستند و از آنها برای ارزیابی آنانی که با این نهادها در تماس هستند، استفاده می‌کنند.

۵- جوانان طبقه پایین به دلیل فرصت‌های محدودشان، اغلب از سوی نظام مدرسه، نامطلوب ارزیابی می‌شوند که به محرومیت آنها در دنبال کردن عامل موقعیت منجر می‌شود.

در این نظریه کوهن به خوبی و به صورت واضح به شرح مسایلی می‌پردازد که می‌توان گفت عوامل ابتدایی و بنیادین در علل گرایش اطفال و نوجوانان بزهکار به سوی جرم است. در این نظریه کوهن از ارزش‌هایی سخن به میان می‌آورد که در جامعه برای تمامی اقشار (چه متوسط چه پایین) تعریف شده و همه باید از آنها پیروی کنند. عدم پیروی از این ارزش‌ها تخلف از ارزش‌های جامعه تلقی می‌شود. کودکان هر جامعه‌ای غیر از محیط خانواده، اولین قدم در اجتماع را با ورود به مدرسه تجربه می‌کنند که محل بیان ارزش‌های اجتماع برای آنهاست. در این میان چون این ارزش‌ها برای کودکان طبقه پایین غیر قابل اجرا می‌شود، او خود را در تضاد و تعارض با ارزش‌ها می‌یابد و در صدد ایجاد خرده فرهنگی سازگار با شرایط برای خود و هم نوعان خود می‌



شود که گاهی این خرده فرهنگ در تضاد با ارزش‌های طبقه متوسط و جامعه است که منجر به شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌های بزهکاری در میان این اقشار می‌شود.

ب- نظریه نابهنجاری مرتون^۱

اگرچه عمر نظریه مرتون به سال‌های قبل از سال ۱۹۳۸ می‌رسد، اما هنوز هم در میان موثرترین نظریه‌های جرم‌شناختی قرار دارد. این نظریه هنوز تفاسیر و تحقیقات زیادی را به خود مشغول می‌کند و تغییرات گوناگونی در ارتباط با آن ارائه شده است. افزون آنکه عوامل نظریه نابهنجاری حداقل در بخشی از آن، در بیشتر نظریه‌های جرم‌شناختی معاصر یافت می‌شود.

نظریه نابهنجاری مرتون پیش از حرفه، یک نظریه در باره انحراف است؛ یعنی، بر بزهکاری تمرکز نمی‌یابد. افزون آنکه مفهوم مرتون از انحراف مفهومی نسبتاً عمومی است. وقتی تصور یک فرد از جامعه بر «اهدافی» خوش‌تراش برای اعضای آن و راههای همسان برای رسیدن به آن اهداف تاکید می‌کند، انحراف عبارت است از هرگونه رفتاری که از ارزش‌های پذیرفته شده، تبعیت نمی‌نماید. مثلاً مرتون از واژه «انحراف» برای نشان دادن رفتار دیوانسالاری همانند رفتار مجرمانه استفاده می‌کند.

مرتون اشاره می‌کند که برخی از «اهداف» به شدت از خلال جامعه مور تاکید هستند (او از مثال موقعیت‌های مالی یاد می‌کند). جامعه هم به برخی «ابزار» (مانند کار سخت، تحصیلات، شروع از پایین و حرکت به سوی بالا) تاکید دارد (به آنها مشروعیت می‌بخشد). وقتی این اهداف به شدت مورد تاکید قرار می‌گیرند، مانند مثال مرتون راجع به موقعیت‌های مالی در ایالات متحده، زمینه برای ظهور نابهنجاری آسان می‌شود. همه افراد دارای راهی یکسان برای دستیابی به موفقیت مالی یکسان نیستند و در نتیجه این افراد به دنبال راههای دیگر، یعنی احتمال راههای نامشروع برای کسب موفقیت هستند. به دلیل وجود نابرابری اجتماعی، راههای تایید شده برای رسیدن به اهداف موفقیت، به راحتی در دسترس برخی از گروهها در جامعه نیست. حتی اگر گفته شود که اهداف برای همگان به طور مساوی به کار برده می‌شود. برخی از گروههای مردم مثلاً طبقه پایین اجتماعی و اقلیت‌ها ممکن است در بدست آوردن موقعیت‌های تجاری که به آنها

^۱ Robert K.Merton

اجازه دنبال کردن اهداف مربوط به موقعیت‌های مالی را می‌دهد، فاقد هرگونه مزیتی باشد. به نظر مرتون زمانی که این نابرابری بدلیل شیوه‌ای که جامعه بدان ترتیب ساختار-بندی شده، وجود دارد، ساختار اجتماعی، ساختاری نابهنجار است.

با توجه به اینکه بخش‌های گوناگونی از جامعه وجود دارد که در آن راههای مشروع رسیدن به موفقیت به شدت محدود می‌باشد بی‌آنکه کاهشی مشابه در تاکید بر پیشرفت وجود داشته باشد، به نظر می‌رسد که ایالات متحده در یک حالت نابهنجار دائمی قرار دارد. افرادی که در این شرایط نابهنجار (به طور گسترده طبقات پایین) گرفتار آمده‌اند بعداً در مقابل فشار ناشی از ناتوانی همساز کردن آرزوهایشان با فرصت‌های محدودشان قرار می‌گیرند. بر اساس قالب‌بندی نابهنجاری توسط دورکیم، این مساله بدان معنی نیست که شرایط دائمی است. چنانچه شرایط اجتماعی تغییر می‌کند، منجر به نابرابری‌های بیشتر یا کمتر می‌شود و به همین شکل درجه نابهنجاری نیز کم یا زیاد می‌شود.

شیوه‌های تطابقی که مرتون ارائه می‌کند به شرح زیر است:

در مورد کودکان و نوجوانان نیز می‌توان گفت، وقتی براساس نظریه قبلی، کودک از محیط مدرسه بدلیل ناسازگاری با ارزش‌های طبقه پایین طرد می‌شود (چه آشکار چه پنهان) بسوی خرده‌فرهنگ‌های طبقات پایین گرایش پیدا می‌کند. اما از آنجا که اهداف برای تمامی جامعه به صورت یکسان تفهیم شده است، حتی این خرده‌فرهنگ‌های بزهکار نیز خواهان دستیابی به اهداف مشروع جامعه می‌باشند. تلاش برای کسب ثروت و به تبع آن دستیابی به آمل و آرزوها، کسب احترام اجتماعی با ابزار ثروت از خواسته-های این گروهها نیز می‌باشد. اما چون آنها ابزارها مقرر شده را قبول ندارند با استفاده از شیوه‌های نامشروع تلاش در دستیابی به اهداف برمی‌آیند. این همان چیزی است که مرتون از آن به وضعیت نابهنجار یا انحراف یاد می‌کند.

ج- نظریه معاشرت ترجیحی ساترلند^۱

^۱ Sutherland



اولین پیشنهاد مربوط به نظریه معاشرت ترجیحی در چاپ دوم کتاب «اصول جرم-شناسی» آورده شد. این حمایت به شالوده‌ای برای نظریه معاشرت ترجیحی تبدیل شد که ساترلند آن را به شکلی کاملتر، توسعه داد.

امروزه، نظریه معاشرت ترجیحی ساترلند به عنوان یکی از معروف‌ترین نظریه‌های رفتار مجرمانه باقی مانده است. دونالد کرسی از این نظریه به عنوان نظریه قهرمان و به عنوان شریک در تالیف کتاب درسی ساترلند یاد می‌کند. خود نظریه، حالتی دولایه دارد. در لایه نخست، این نظریه چنین بیان می‌کند که سازمان گروه ترجیحی تشریح کننده نرخ های متغیر جرم است و در لایه دوم، معاشرت ترجیحی تشریح کننده رفتار مجرمانه فرد می‌باشد. (همان منبع، ص ۹۹ و ۱۰۰)

منظور ساترلند از اصطلاح «معاشرت ترجیحی» آن است که «محتوای الگوهای ارائه شده در معاشرت» از فردی به فرد دیگر تفاوت می‌کند. لذا او هرگز بر این باور نبود که صرف «معاشرت» با مجرمان موجب بروز رفتار مجرمانه می‌شود. در عوض، محتوای ارتباطات از سوی دیگران به عنوان نقطه تاکید و تمرکز بود. بزه از نگاه ساترلند به مثابه پیامد ارزش‌های متعارض بود، یعنی فردی رفتارهای تایید شده فرهنگی ای را دنبال می‌کرد که از سوی جامعه بزرگتر مورد تایید نبود. (همان منبع، ص ۹۴ و ۹۵)

طرق موثر در بازسازی فردی کودکان و نوجوانان معارض با قانون

علاوه بر روش‌هایی که در گفتار قبل به آنها اشاره شد و مربوط به برنامه‌ها و ساختار قانون اصلاح و تربیت بودند، برای جلوگیری از تکرار جرم در کودکان و نوجوانان، خود آنها نیز باید در مسیری قرار گیرند که کمترین تماس را با عوامل جرم‌زا داشته باشند. به عبارت دیگر از نظر ویژگی‌های فردی نیز باید در سمت و سویی قرار بگیرند که زمینه تکرار جرم در آنها از بین رود. این میان به نقش تحصیل و اشتغال و مذهب در جلوگیری از تکرار جرم اشاره شد و یادآور شدیم که تعالی هر کدام از این موارد می‌تواند در روند تربیتی کودکان و نوجوانان معارض با قانون میسر باشد.

الف - همسو شدن کودک و نوجوان با برنامه‌های اصلاحی قانون اصلاح و تربیت

اجرای برنامه های تربیتی زمانی مفید فایده خواهد بود که کودک و نوجوان به فضای ایجاد شده اعتماد کند و به این باور برسد که اعمالی که تا به حال بر علیه اصول و قواعد اجتماعی انجام داده است، خلاف قانون و مضر برای اجتماع است. تفهیم این موارد بر عهده کانون اصلاح و تربیت است. اما در کنار وظایفی که مددکاران و روانشناسان کانون برعهده دارند خود کودک و نوجوان نیز باید ویژگی هایی را در خود پرورش دهد تا بتواند با برنامه های کانون همسو شده و در نهایت با همکاری کانون به هدف نهایی یعنی تربیت و بازپروری برسد. داشتن روحیه همیاری، دادن اطلاعات صحیح، انجام برنامه های تربیتی و تغییر نگرش نسبت به کانون اصلاح و تربیت، افزایش روحیه و اعتماد به نفس و تغییر دیدگاه خود نسبت به خود و محیط خانوادگی از جمله مواردی است که می تواند در کار برنامه های کانون باعث تغییر فردی کودک و نوجوان شود.

در این مورد نیز این کانون اصلاح و تربیت و برنامه ها و مربیان آن اند که نقش اصلی را بر عهده دارند. اما خود کودک و نوجوان نیز می تواند با تقویت ویژگی های اخلاقی روند این مسیر را تسریع بخشد.

همکاری خانواده های مددجویان برای تحقق برنامه های اصلاحی و تربیتی

در میان عوامل فردی (یا همان غیر کانونی)، خانواده عامل مهمی است که می تواند نقش بسیاری در بازپروری فرد ایفا نماید. به همان اندازه که خانواده می تواند در گرایش کودک و نوجوان به سمت جرم و تکرار آن تاثیر داشته باشد، به همان اندازه نیز می تواند عامل مهمی در بازپروری او باشد. منظور از خانواده در این قسمت، خانواده هایی هستند که از نظر اخلاقی و اجتماعی سالم و دارای شرایط مناسبی هستند و گرنه خانواده هایی که ناسالم بوده و خود جزو عوامل ارتکاب جرم اند، نمی توانند در ابتدا تاثیرگذار باشند. زیرا ابتدا خود این خانواده ها به کمک بخش مراقبت بعد از خروج باید مورد اصلاح قرار گیرند تا در مرحله بعد دارای نقش اصلاحی شوند.

اما کودکان و نوجوانان معارض با قانونی نیز هستند که خانواده آنها از نظر ارزش های اجتماعی کاملاً مناسبند و دلیل گرایش او به سمت جرم عواملی غیر از خانواده است. در این حالت خانواده ها با همکاری موثری که می توانند با کانون و مددکاران و مشاوران و



بالاخص بخش مراقبت بعد از خروج داشته باشند، مهمترین نقش را در بازپروری کودک و نوجوان می‌توانند ایفا نمایند. زیرا بعد از آزادی از کانون، این خانواده است که پذیرای کودک و نوجوان است و با فرض اصلاح کودک و نوجوان در طی مدت اقامت در کانون می‌توان به بازپروری او در سایه حمایت‌های خانواده امید داشت.

کانون اصلاح و تربیت می‌تواند با ایجاد بخشی مختص خانواده‌های کودکان و نوجوانان، در ابتدا به شناسایی خانواده‌های آنها بپردازد و اگر از نظر شرایط خانوادگی نامناسب تشخیص داده شدند، می‌تواند در صورت اصلاح، با روش‌های مختلف محیط خانوادگی را سالم نماید و در صورت عدم اصلاح کودک را به سازمانهای ذیصلاح تحویل دهد. اما اگر خانواده‌های آنها از نظر اصول اجتماعی مورد تایید قرار گرفتند می‌توانند با ارتباط تنگاتنگ با کانون اصلاح و تربیت، گامی موثر در بازپروری کودک و نوجوان خود بردارند.

پیشینه پژوهش

نتایج تحقیقات زمانی بر کشف رابطه‌ی بین سطوح عزت نفس و درجات بزهکاری متمرکز است مطالعه طولانی مدت بر روی ۱۳۲ نوجوان انجام شد. این نوجوانان جرائم گوناگونی از خفیف مانند فرار از مدرسه و مصرف مشروب تا شدید مانند سرقت و جیب‌بری و فروش مواد مخدر تا جرائم جدی‌تر مانند تجاوز به زور را مرتکب شده بودند و نتیجه این مطالعه نشان داد که افرادی که جرائم شدید و جدی را انجام داده بودند به طور معنی‌داری عزت نفس پایینی داشتند.

اشرف پور و همکاران (۱۳۹۳) دریافتند نوجوانانی که جرائم جنسی شدیدی داده بودند نمرات عزت نفسی پایینی در مقایسه با گروه‌های دیگر داشتند. مطالعه‌ی دیگری به صورت مقطعی بر روی ۱۰ نوجوان دختر انجام شد. که جرائم جنسی مرتکب شده بودند این مطالعه نشان داد اکثر آنان عزت نفس پایینی داشتند.

صرامی (۱۳۹۱) در مطالعه‌ی دیگری در بوشهر بر روی ۲۷ بزهکار نوجوان که جرائم جنسی مرتکب شده بودند و ۷۸ بزهکار که جرائم غیر جنسی به طور معنی‌داری نمرات پایینی در آزمون عزت نفس روزنبرگ کسب کرده‌اند.

موفقیت و همکاران (۱۳۹۳) در زمینه ی بررسی عزن نفس پایین و بزهکاری به این نتیجه رسیدند که بین عزن نفس پایین و بزهکاری رابطه وجود دارد

اشرفی و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقات خود بر روی ۵۰ تن از زنان زندانی تهران دریافت که برنامه های مذهبی، مشاوره ای تاثیر زیادی بر کاهش اضطراب و استرس آنان دارد.

میستر تا (۲۰۰۶) در پژوهشی بر روی نوجوانان مدارس آمریکایی در زمینه ی علت مشارکت نکردن در فعالیت های مدرسه و انجام دادن اعمال بزهکارانه به این نتیجه رسید که سطح تحمل ناکامی کم (LEF) به همراه علاقه نداشتن به فعالیت های درسی و شرکت نکردن در فعالیت های ورزشی در مدرسه عامل مهمی برای شکست و ناکامی فرد بوده و این سیکل معیوب مشارکت فرد در بزهکاری را سرعت می بخشد.

کین برگ (۲۰۰۷) عوامل فردی و اجتماعی و محیطی موثر بر تکرار جرم در نوجوانان بزهکار را که بر روی ۱۳۷ پسر و ۳۱ دختر انجام شد بررسی کرد. او به این نتیجه رسید که سطح تحمل ناکامی کم هم بستگی بالایی با تکرار بزه در شش ماه بعد از آزادی از موسسه اصلاحی تربیتی دارد. همچنین وی دریافت که سطح تحمل ناکامی کم عامل موثر و توفیق کننده ی مهمی برای روی آوردن نوجوانان به مصرف مشروب و مواد مخدر است.

ازنیگا و همکاران (۲۰۰۵) در تحقیقی با عنوان سطوح رشد روانی اجتماعی و خود کنترلی و تاثیر آن بر اختلالات رفتاری و بزهکاری اشاره کردند که نقص در یادگیری مهارت های تاخیر ارضا و همچنین پایین آمدن سطح تحمل ناکامی قفرد شده و این امر به نوبه ی خود سبب تکاب اعمال بزهکارانه می شود. (پایناونگ ۲۰۰۷). بنا به نظریه ی الوی (۲۰۰۱) گزارش رسانه ها درباره ی جرم و بزهکاری نوجوانان که اقدامات خطر ناکی انجام داده اند بیانگر نگرش منفی آنان به مراجع قدرت است. در طی دو دهه ی گذشته تحقیقات بسیاری درباره ی نگرش نوجوانان به اقتدار موسسات قانونی انجام شده است بعضی از این تحقیقات نگرش به بعضی از منابع یا بالقوه ی مهم اقتدار برای نوجوانان مانند پلیس قانون معلمان و ارتش را بررسی کرده اند



مطالعه ای بر روی نوجوانان استرالیایی که ریگبی و همکاران (۱۹۷۸) انجام دادند نگرش نسبتاً مثبت نوجوانان به اقتدار نهادینه یعنی والدین معلمان پلیس و قانون را تایید کرد محققان در تحقیقات دیگری در استرالیا و ایکاتلند و انگلیس نیز به نتایج مشابهی رسیدند .

وسترن در مطالعات خود در سال (۲۰۰۸) در شهر کلن المان روی ۱۰۰ نوجوان بزهکار انجام داده بود دریافت که برنامه های مشاوره ای واشتغال بیشترین تاثیرات را بروی کاهش افسردگی را دارد

مواد روش تحقیق

پژوهش فرایندی است که از طریق آن می توان درباره ناشناخته ها به جستجو پرداخت و هدف از آن این است که در مسیر یافتن حقیقت به افراد کمک کند. به عبارت دیگر، پژوهش را می توان کوشش هایی سازمان یافته تلقی کرد که محقق را در روشن سازی حقیقت یک موضوع یاری می کند. به طور کلی هر پژوهش در ابتدا در پی طرح مشکل یا مساله ای طرح می شود. مشکل و مساله ای که سؤالاتی را در ذهن بر انگیخته و فرضیه هایی را به وجود می آورد. بدین ترتیب پژوهش گر در پی آن بر می آید که با جمع آوری اطلاعات و تجربه و تحلیل آن به تأیید یا رد فرضیه های مطرح شده بپردازد (حافظ نیا، ۱۳۸۸).

در این فصل ابتدا توضیحاتی در مورد روش تحقیق، جامعه آماری، نمونه و روش نمونه گیری داده شده است. در ادامه نیز ابزار اندازه گیری، اعتبار و روایی پرسشنامه، نحوه جمع آوری داده ها و روش های آماری مورد استفاده توضیح داده شده است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر، بر اساس هدف، کاربردی است. این تحقیقات با استفاده از زمینه و بستر شناختی و معلوماتی که توسط تحقیقات بنیادی فراهم شده برای رفع نیازمندی‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. هدف از تحقیقات کاربردی، چاره‌اندیشی برای حل مسایل و مشکلات اجرایی است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹).

نتایج تحقیقات کاربردی، بایستی قابل اجرا باشد. از سویی دیگر، از نظر ماهیت و روش تحقیق، توصیفی - پیمایشی است. در این تحقیقات، پژوهشگر ماهیت مسأله تحقیق را توصیف می‌کند. هدف پژوهشگر از انجام تحقیق توصیفی، توصیف عینی و واقعی خصوصیات یک موضوع و یا پدیده است.

جامعه آماری پژوهش، ۱۰۰ نفر از نوجوانان که در کانون اصلاح و تربیت حضور داشته اند با توجه به اینکه تعداد جامعه ما محدود بوده همان ۱۰۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شد. (روش تمام شماری)

روایی ابزار گردآوری داده‌ها

منظور از روایی این است که مقیاس و محتوایی ابزار یا سؤالات مندرج در ابزار گردآوری اطلاعات، دقیقاً موضوع و متغیرهای مورد مطالعه را بسنجد؛ یعنی اینکه هم داده های گردآوری شده از طریق ابزار مازاد بر نیاز تحقیق نباشد و هم اینکه بخشی از داده های مورد نیاز در رابطه با سنجش متغیرها در محتوای ابزار، حذف نشده باشد. یا به عبارت دیگر، عین واقعیت را به خوبی نشان دهد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۸۲).

در این تحقیق به منظور تعیین روایی پرسشنامه‌ها، از روایی محتوایی استفاده شده است. به این منظور پرسشنامه‌ها در اختیار ۵ نفر از استادان دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج قرار گرفت و از آنها در خواست شد تا نظرات خود را پیرامون میزان تناسب سؤالات با ابعاد مربوطه در قالب گزینه های کاملاً مناسب، مناسب، نسبتاً مناسب،



نامناسب و کاملاً نامناسب، بیان کنند. پس از جمع آوری پرسشنامه‌ها با نظر استاد راهنما، اصلاحات لازم صوری و ساختاری در آنها اعمال گردید.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های آماری مختلفی استفاده می‌شود. به منظور ارائه تفسیر مناسبی از داده‌ها ابتدا با استفاده از تحلیل‌های توصیفی (میانگین، انحراف معیار، فراوانی...) به بررسی جامعه آماری مورد مطالعه پرداخته شد. هدف از این تحلیل ارزیابی طیف جنسیتی، تحصیلی و جمعیت شناختی نمونه مورد مطالعه است به طوری که بتوان در نگاهی توصیفی نمایی کامل از آزمودنی‌ها بدست آورد. پس از بررسی توصیفی جامعه آماری پژوهش، با استفاده از روش‌های استنباطی به تجزیه و تحلیل آماری اطلاعات بدست آمده برای آزمون فرضیه‌ها مبادرت می‌شود؛ لذا از همبستگی پیرسون و رگرسیون جهت تجزیه و تحلیل استنباطی پژوهش حاضر استفاده شده است. در این مطالعه جهت جمع آوری و داده‌ها از دو پرسشنامه افسردگی بک (BDI) دیگری مقیاس نگرش سنج بزهکاران در مورد محیط کانون اصلاح و تربیت استفاده شد. پرسشنامه ی افسردگی بک دارای چند فرم است که در این پژوهش از فرم ۲۱ ماده ای آن استفاده شده است.

نتایج و بحث

پس از اجرای پرسشنامه روی ۱۰۰ آزمودنی، پاسخنامه ی هر آزمودنی برای هر سوال و هر قسمت نمره گذاری به دست آمده وارد کامپیوتر شد. توزیع فراوانی مربوط به سن آزمودنی‌ها در جدول یک نشان داده شده است. کمترین فراوانی سن مربوط به سنین ۱۱، ۱۲ و ۱۳ سالگی است و بیشترین تعداد آزمودنی‌ها در ۱۶ سالگی بوده است. اصولاً چون کانون اصلاح و تربیت محل نگهداری و تهذیب بزهکاران زیر سن ۱۸ سال است؛ به همین دلیل دامنه ی سنی آزمودنی‌ها به جز ۵ نفر ۱۹ ساله، دو نفر ۲۰ ساله و یک نفر

^۱ Beck Depression Inventory (BDI)

۲۳ ساله، کلیه ی آزمودنی های شرکت کننده، سنی پایین تر از ۱۸ سال دارند. دلیل این که ۷ مورد نیز در کانون بوده اند . این بود که یا از نظر جثه و وضعیت فیزیکی نحیف بوده اند و یا این که کسانی بوده اند که محکومیت آنها ۵ تا ۱۰ سال بوده است که اکثراً مدت محکومیت خود را در کانون گذرانده اند و برای یکی دو سال باقی مانده به زندان های مربوط فرستاده نشده اند. هدف از این کار تهذیب و تربیت صحیح تر همراه با تادیب بوده است . در جدول دو توزیع فراوانی سطح سواد آزمودنی ها نشان داده شده است. این جدول نشان می دهد که سطح سواد آزمودنی ها بین پایه های اول تا دیپلم ناقص است . کم ترین سطح سواد، مربوط به دیپلم ناقص با یک نفر ، و بیشترین سطح سواد مربوط به کلاس پنجم ابتدایی با ۵۷ نفر است.

جدول ۱: توزیع فراوانی، درصد فراوانی، فراوانی تراکمی و درصد فراوانی تراکمی

مربوط به سن آزمودنی ها (N=۱۰۰)

سن	فراوانی (F)	درصد فراوانی (P)	فراوانی تراکمی (PC)	درصد فراوانی تراکمی (PC)
۱۱	۱	۱/۶۴	۱	۱/۶۴
۱۲	۱	۱/۶۴	۲	۱/۲۸
۱۳	۴	۳/۲۱	۷	۴/۴۹
۱۴	۵	۶/۴۱	۱۲	۱۰/۹۰
۱۵	۸	۱۲/۸۲	۲۰	۲۳/۷۲
۱۶	۱۵	۱۹/۲۳	۳۵	۴۲/۹۵
۱۷	۲۵	۲۶/۲۸	۶۰	۶۹/۲۳
۱۸	۱۸	۲۵/۶۴	۷۸	۶۹/۲۳
۱۹	۵	۳/۲۱	۸۳	۹۸/۰۸
۲۰	۲	۱/۲۸	۸۵	۹۹/۳۶
۲۱	۱	۱/۶۴	۸۶	۱۰۰
جمع	۱۰۰	۱۰۰	-	-



۲: توزیع فراوانی، درصد فراوانی، فراوانی تراکمی و درصد فراوانی تراکمی مربوط به سطح سواد آزمودنی ها (n=156)

سطح سواد	فراوانی (F)	درصد فراوانی (P)	فراوانی تراکمی (PC)	درصد فراوانی تراکمی (PC)
بیسواد و کم سواد	25	۲۶/۲۸	۴۱	۲۶/۲۸
پنجم ابتدایی	38	۳۶/۵۴	۹۸	۶۲/۸۲
اول راهنمایی	12	۱۴/۱۰	۱۲۰	۷۶/۹۲
دوم راهنمایی	14	۱۲/۱۸	۱۳۹	۸۹/۱۰
سوم راهنمایی	5	۷/۰۵	۱۵۰	۹۶/۱۵
اول دبیرستان	۵	۳/۲۱	۱۵۵	۹۹/۳۶
دیپلم ناقص	۱	۱/۶۴	۱۵۶	۱۰۰
جمع	۱۰۰	۱۰۰	-	-

به منظور دستیابی به اهداف این تحقیق به بررسی آمار استنباطی پرداختیم. به گونه‌ای که در این تحقیق با توجه نرمال بودن متغیرهای (جدول ۴-۷) برای آزمون فرضیه‌های موجود که بررسی عوامل مختلف بر و بازپروری کودکان و نوجوانان معارض با قانون از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی استفاده شد. همچنین برای توصیف میزان همبستگی بین متغیرها از الگوی دیویس (۱۹۷۱) استفاده شده است. بر اساس این الگو ضرایب همبستگی ۰/۰۹ - ۰/۰۱ جزئی، ۰/۲۹ - ۰/۱ پایین، ۰/۴۹ - ۰/۳ متوسط، ۰/۶۹ - ۰/۵ بالا، ۰/۹۹ - ۰/۷ خیلی بالا و ۱ = کامل، توصیف می‌شوند.

به منظور تست نرمال بودن متغیرها از آزمون نرمالیت یک نمونه‌ای استفاده شد و نتیجه این آزمون نشان داد که کلیه متغیرهای این تحقیق نرمال می‌باشد (جدول ۴-۱).



تست نرمالیت متغیرهای تحقیق

P	متغیر
0/۶۴۸	برنامه مذهبی
0/۴۴۲	برنامه تفریحی و ورزشی
0/۸۴۸	برنامه مشاوره ای و مددکاری
0/۲۸۲	اجرای برنامه بهداشتی درمانی
۰/۱۳۶	بازپروری

فرضیه اول: بین اجرا برنامه های مذهبی و بازپروری کودکان و نوجوانان معارض با قانون رابطه معنی دار وجود دارد

H_1 = وجود رابطه معنی دار بین دو متغیر

H_0 = عدم وجود رابطه معنی دار بین دو متغیر

جهت تعیین و بررسی رابطه اجرا برنامه های مذهبی با بازپروری کودکان و نوجوانان معارض با قانون از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج این آزمون نشان داد رابطه مثبت و معنی داری در سطح ۹۹ درصد بین دو متغیر وجود دارد ($r = ۰/۶۶۵$ و $p = ۰/۰۰۱$). همچنین این همبستگی در سطح بالایی برآورد گردید. بنابراین با افزایش نمره اجرا برنامه های مذهبی ، بازپروری کودکان و نوجوانان معارض با قانون، نیز افزایش می باید بنابراین فرض H_0 که مبتنی بر عدم رابطه بین این دو متغیر می باشد رد می گردد و فرض H_1 تأیید می شود. پس این فرضیه به عنوان فرضیه اول این تحقیق مورد تأیید قرار خواهد گرفت.

جدول ۴ = ضریب همبستگی رابطه بین اجرای برنامه های تفریحی و ورزشی و بازپروری کودکان و نوجوانان



توصیف همبستگی	سطح معنی داری	ضریب همبستگی	همبستگی
بالا	۰/۰۰۱	۰/۶۶۵**	برنامه تفریحی

فرضیه دوم: اجرای برنامه های تفریحی و ورزشی کانون اصلاح و تربیت با بازپروری کودکان و نوجوانان معارض با قانون رابطه معنی داری وجود دارد.

وجود رابطه معنی دار بین دو متغیر $H_1 =$

عدم وجود رابطه معنی دار بین دو متغیر $H_0 =$

جهت تعیین و بررسی رابطه اجرای برنامه های تفریحی و ورزشی کانون با بازپروری کودکان و نوجوانان معارض با قانون از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج این آزمون نشان داد رابطه مثبت و معنی داری در سطح ۹۹ درصد بین دو متغیر وجود دارد ($p = ۰/۰۰۲$ و $r = ۰/۳۱۹$). همچنین این همبستگی در سطح متوسط ارزیابی گردید. بنابراین با افزایش اجرای برنامه های ورزشی تفریحی بازپروری کودکان و نوجوانان معارض افزایش خواهد یافت. بنابراین فرض H_0 که مبتنی بر عدم رابطه بین این دو متغیر می باشد رد می گردد و فرض H_1 تأیید می شود. پس این فرضیه به عنوان فرضیه دوم این تحقیق تأیید قرار خواهد گرفت.

جدول ۴ = ضریب همبستگی رابطه بین اجرای برنامه های تفریحی و ورزشی و بازپروری کودکان و نوجوانان

توصیف همبستگی	سطح معنی داری	ضریب همبستگی	همبستگی
متوسط	۰/۰۰۲	۰/۳۱۹**	برنامه تفریحی



فرضیه سوم: بین اجرای برنامه های مشاوره ای ومدد کاری با بازپروری کودکان و نوجوانان معارض با قانون رابطه معنی داری وجود دارد.

وجود رابطه معنی دار بین دو متغیر $H_1 =$

عدم وجود رابطه معنی دار بین دو متغیر $H_0 =$

نتایج این آزمون نشان داد رابطه مثبت و معنی داری در سطح ۹۹ درصد بین دو متغیر وجود دارد ($r = ۰/۵۱۷$ و $p = ۰/۰۰۱$). همچنین این همبستگی در متوسط به بالا برآورد گردید. بنابراین این گونه بیان داشت که بین اجرای برنامه های مشاوره ای ومدد کاری و بازپروری کودکان و نوجوانان معارض رابطه معنی داری یافت شد. همچنین بنابراین باافزایش در اجرای برنامه های مشاوره ای ،مددکاری ، بازپروری کودکان و نوجوانان معارض با قانون افزایش خواهد کرد. بنابراین فرض H_0 که مبتنی بر عدم رابطه بین این دو متغیر می باشد رد می گردد و فرض H_1 تایید می شود. بنابراین این فرضیه مورد تایید قرار می گیرد (جدول ۴-۴).

جدول ۵- ضریب همبستگی رابطه بین اجرای برنامه های مشاوره ای بازپروری کودکان و نوجوانان معارض

توصیف همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی	همبستگی
پایین	۰/۰۰۱	۵۱۷٪	برنامه مشاور و ورزشی

فرضیه چهارم : بین اجرای برنامه بهداشتی -درمانی و بازپروری کودکان و نوجوانان معارض رابطه معنی داری وجود دارد.

$H_1 =$ وجود رابطه معنی دار بین دو متغیر

$H_0 =$ عدم وجود رابطه معنی دار بین دو متغیر

نتایج آزمون همبستگی پیرسون جهت رابطه اجرای برنامه های بهداشتی -درمانی و بازپروری کودکان و نوجوانان معارض نشان داد که ضریب همبستگی پیرسون ۰/۲۳۱ و



سطح معنی داری ۰/۱۵۶ - می باشد. با توجه نتایج محاسبه شده باید این گونه بیان داشت که اجرای برنامه های بهداشتی - درمانی و بازپروری کودکان و نوجوانان معارض با قانون دارای رابطه معنی داری یافت نشد. بنابراین فرض H_0 که مبتنی بر عدم رابطه بین این دو متغیر می باشد تایید می گردد و فرض H_1 رد می شود. بنابراین این فرضیه نیز مورد تایید قرار نمی گیرد؛

جدول ۶- ضریب همبستگی رابطه بین اجرای برنامه های بهداشتی - درمانی و بازپروری کودکان و نوجوانان

همبستگی	ضریب همبستگی	سطح معناداری	توصیف همبستگی
برنامه بهداشتی - درمانی	۰/۲۳۱	۰/۱۵۶-	پایین

نتیجه گیری و پیشنهادات

کانون اصلاح و تربیت کودکان و نوجوانان معارض با قانون به عنوان نهاد تربیتی، که تاسیس آن برگرفته از عقاید و نظرات دکترین مکتب تحقیقی و دفاع اجتماعی است، با هدف اصلاح و تربیت و باز پروری کودکان و نوجوانانی ایجاد شده است که حالت خطرناک آنها برای جامعه اثبات گردیده است. در حدود یک سوم از کودکان و نوجوانان اعزام شده به کانون، مرتکب تکرار جرم شده اند و این رقم، آمار بالایی است. به این جهت در چند سال اخیر به کانون اصلاح و تربیت با دیدی نقادانه نگرسته می شود. بروز پدیده تکرار جرم و بالا بودن آمار آن در میان کودکان و نوجوانان معارض با قانون، این حقیقت را برای ما اثبات می کند که نه تنها کودکان و نوجوانان در بازپذیری هنجارها و ارزش های اجتماعی ناتوانند، بلکه مهمتر از آن حکایت از قصور و ناتوانی نهادهای اصلاحی و تربیتی در بازاجتماعی کردن آنها دارد. محقق در این تحقیق در صد پاسخگویی به این سؤال بود که آیا کانون اصلاح و تربیت با برنامه های تربیتی و آموزشی متنوعی که برای تربیت و تهذیب کودکان و نوجوانان تدارک دیده قادر است که با

فرآیند بازپروری، این کودکان و نوجوانان را از تکرار جرم بازدارد؟ برای رسیدن به پاسخ این سوال ابتدا تلاش شد با بهره‌گیری از روش پرسشنامه حقایقی از روند تربیتی قانون به دست آید اما با اطلاعات کلیشه‌ای و نادرست از طرف مددجویان روبرو گردید. اگر قانون اصلاح و تربیت با اجرای برنامه‌های تربیتی خود، در باز اجتماعی کردن کودکان و نوجوانان به موفقیت می‌رسید ما باید به ندرت شاهد تکرار جرم در میان کودکان و نوجوانان قانون اصلاح و تربیت بودیم.

در تحقیقی که شرح آن داده شد، محقق درصدد آن بود تا با بررسی عمیق و نزدیک شرح حال کودکان و نوجوانانی که تکرار جرم داشته‌اند، بتواند از نقش قانون در روند اجتماعی شدن آنها اطلاعاتی بدست آورد و میزان عملکرد برنامه‌های اصلاحی و تربیتی قانون را با دیدی جرم‌شناسانه مورد بررسی قرار دهد.

نمی‌توان گفت که برنامه‌های قانون اصلاح و تربیت هیچ نقشی در بازپروری نوجوانان نداشته است، زیرا که بسیاری از نوجوانان بویژه دختران از محیط عاطفی ایجادشده در قانون ابراز رضایت می‌کردند، اما با انتظاری که جامعه و دانش‌آموختگان حقوقی و جرم‌شناسی از قانون اصلاح و تربیت دارند، عملکرد قانون ضعیف به نظر می‌رسد. زیرا افراد در تماس با قانون، کودکان و نوجوانانی هستند که نیروهای فعال آینده یک جامعه را تشکیل می‌دهند و اگر روند بازپروری آنها با کمترین نقصی همراه باشد می‌تواند لطمات جبران‌ناپذیری برای تمامی جامعه به همراه داشته باشد.

منابع

- افراسیابی، محمد اسماعیل، حقوق جزای عمومی، سال ۱۳۸۲، چاپ چهارم، جلد اول، انتشارات فردوسی.
- آریان پور کاشانی، عباس، فرهنگ کامل انگلیسی - فارسی، سال ۱۳۷۶، تهران انتشارات امیرکبیر.
- بولک، برنارد، کیفرشناسی، سال ۱۳۸۵، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ ششم، تهران، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد.



- دانش، تاج زمان، دادرسی اطفال بزهکار در حقوق تطبیقی، سال ۱۳۸۶، چاپ سوم، انتشارات میزان.
- دانش، تاج زمان، طفل بزهکار کیست؟ روش اصلاح و تربیت او چیست؟، سال ۱۳۸۵، چاپ اول، انتشارات کیهان.
- سادات، محمد علی، رفتار والدین با فرزندان، سال ۱۳۷۲، چاپ اول، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
- شامبیاتی، هوشنگ، بزهکاری اطفال و نوجوانان، سال ۱۳۸۴، چاپ سیزدهم، نشر میزان.
- شاملو، باقر، عدالت کیفری و اطفال (شخصیت طفل، بزهکاری، دادرسی، پاسخ ها)، سال ۱۳۹۰، چاپ اول، انتشارات جنگل.
- صلاحی، جاوید و امامی نمینی، محمود، بررسی تطبیقی نهادهای قضایی و تربیتی کودکان و نوجوانان بزهکار، سال ۱۳۸۱، چاپ اول، انتشارات موسسه آموزش عالی علامه محدث نوری (ره).
- عباچی، مریم، حقوق کیفری اطفال در اسناد بین المللی سازمان ملل متحد، سال ۱۳۸۸، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد.
- غلامی، حسین، بررسی حقوقی - جرم شناختی تکرار جرم، سال ۱۳۹۰، چاپ سوم، تهران، نشر میزان.
- لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، ۱۳۷۲، چاپ ششم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- مرعشی، محمد حسن، دیدگاههای نو در حقوق کیفری اسلام، سال ۱۳۷۳، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- مغنیه، محمد جواد، فقه تطبیقی، سال ۱۳۷۲، ترجمه کاظم پور جوادی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات موسسه جهاد دانشگاهی.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید، دانشنامه جرم شناسی، سال ۱۳۹۰، چاپ دوم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- نجفی توانا، علی، نابهنجاری و بزهکاری کودکان و نوجوانان، سال ۱۳۸۵، چاپ دوم، تهران، انتشارات آموزش و سنجش.
- وایت، راب و هیینز، فیونا، جرم و جرم شناسی، سال ۱۳۹۰، ترجمه علی سلیمی، چاپ چهارم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.



- ویلیامز، فرانک پیو مک شین، ماری لین دی، نظریه های جرم شناسی، سال ۱۳۹۱، ترجمه حمید رضا ملک محمدی، چاپ چهارم، نشر میزان.
- مقاله ها
- احمدی، نعمت، پرونده شخصیت، سال ۱۳۸۶، مجله دادرسی، شماره ۴۷.
- باباخانی پور، حمید، روانشناسی در کمک به مددجویان، سال ۱۳۷۱، ماهنامه اصلاح و تربیت، شماره ۴۵.
- بازرگانی، محمد حسین و اسدی غلامی، نصرالله، مددکاری اجتماعی در زندانهای ایران، سال ۱۳۸۱، ماهنامه اصلاح و تربیت.
- ربیعی، ناصر و راهرو خواجه، احمد، قلمرو ورزش و جایگاه آن در زندان، سال ۱۳۷۷، ماهنامه اصلاح و تربیت، شماره ۴۴.
- کریمی، حجت الله، اهمیت شورای طبقه بندی و انضباطی زندان، سال ۱۳۷۷، ماهنامه اصلاح و تربیت، شماره ۴۵.
- مودن زادگان، حسنعلی، کودکان و نوجوانان معارض با قانون و واکنش های اجتماعی، سال ۱۳۸۹، علوم جنایی مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، چاپ سوم.
- واحد تحقیقات و مطالعه زندان اوین، نقش مراقبت های پس از خروج در عدم بازگشت مجدد زندانیان، سال ۱۳۷۹، ماهنامه اصلاح و تربیت، شماره ۶۷.
- پایان نامه ها
- ابوالقاسم حسینی، سمیه سادات، مسکن موقت کودک بزهکار کانون اصلاح و تربیت پسران تهران، سال ۱۳۸۶، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران.
- امین نیا، ابوالفضل، تأثیر آموزش فنی و حرفه ای و تعاون در اصلاح و تهذیب بزهکاران، سال ۱۳۷۸، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- صاحبی، ابوالقاسم، جایگاه پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران، سال ۱۳۸۶، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- فضلی، شهباز، نقش کانون اصلاح و تربیت در جامعه پذیری مددجویان با نگاهی به اسناد بین المللی، سال ۱۳۸۸، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.



- موحدی محصل طوسی، مرضیه، نیاز سنجی آموزش زندانیان کانون اصلاح و تربیت، سال ۱۳۸۱، پایان نامه کارشناسی ارشد.

